

اندیشه های عرفانی سعد الدین احمد کابلی انصاری

پرویز صفرعلی^۱، علی زمانی^۲، فاطمه کوپا^۳، فاطمه معین الدینی^۴

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران
^۲دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان، ایران
^۳استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران
^۴دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور کرمان، ایران

نویسنده مسئول: zamanialavijeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

چکیده

مطالعه و بررسی دقیق آثار سعد الدین، جنبه های مختلف ادبی و فکری وی را آشکارتر خواهد کرد. با توجه به مشترکات فرهنگی و همسایگی ایران و افغانستان، بررسی آثار شاعران و عارفان فارسی زبان این خطه، دارای اهمیت بسیار است. به علت تشابهات فرهنگی و تاریخی گذشته، کشوری چون افغانستان به عنوان بخشی از مناطق فرهنگی زبان و ادب فارسی، سرشار از آثار ارزشمندی است. یکی از شاعرانی که آثار شعر و نثر عارفانه اش، نقش مؤثری در ترویج زبان و ادبیات فارسی و مفاهیم عرفانی داشته، سعدالدین احمد انصاری است که در قرن دوازدهم هجری در توابع کابل می زیسته است. کتاب شعر «شور عشق» اثر سعدالدین احمد انصاری، از آثار ارزشمند قرن دوازدهم هجری محسوب می شود که تا کنون مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است، بی شک این پژوهش در روشن شدن وجوه مبهم و ارزش و بهای این کتاب عرفانی موثر واقع خواهد بود. این پژوهشی نو و تازه است.

کلیدواژه: نظم، عرفان، شور عشق، سعدالدین انصاری

مقدمه

احیاء معرفی آثار ناشناخته، در حوزه‌ی زبان و ادبیات یکی از دغدغه های محققان امروز است، زیرا هر متنی گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطوّر زبان و ادبیات فارسی را نشان می‌دهد. شعر و ادب فارسی علاوه بر مرزهای داخلی در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران نیز مورد توجه بوه است و افغانستان یکی از مراکز مهمی است که بیش از هزار سال، زبان ادب فارسی در آن جا رواج و پیشرفت داشته و شاعران و نویسندگان زیادی را تقدیم فرهنگ و ادب فارسی نموده است. شیخ سعدالدین احمد انصاری از شاعران و عارفانی است که دارای آثار بسیار زیادی در حوزه عرفان است. «یکی از شاعران کلاسیک ادب فارسی، شیخ سعدالدین انصاری است که ایشان را تصانیف بسیار در عمل تصوف و حقایق است اما از آنجا که در مقام فنا، بی نامی و بی نشانی بوده اند. چنانچه در این تصانیف ایشان حجت قوی است. در هر کدام از رسائل خویش اسم خود را موسوم نکرده و در هر کتاب به اسم دیگری شهرت دارد. وی، فرزند مولانا عبدالغفار فرزند مولانا عبدالعزیز فرزند مولانا عبدالکریم برکی انصاری است که نسب ایشان به حضرت معاذبن جبل انصاری می رسد.» (انصاری، ۱۳۷۰: ۷۲). مایل هروی در کتاب تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی آورده است: نسب او را به امام زین العابدین (رض) فرزند امام حسین (ع) می رسد. رک: (هروی، ۱۳۸۰: ۱۴) کتاب «شور عشق» (شورش عشق) یکی از آثار ارزشمند سعدالدین احمد انصاری است و از آثار قرن دوازدهم هجری بوده، که در سال ۱۲۲۵ هجری با کوشش جیب اله ابراهیم زاده در کابل (افغانستان) چاپ شده است، اما تا کنون مورد بررسی و پژوهش مستقل قرار نگرفته است، بررسی این کتاب، می تواند ما را با ادبیات و ویژگی های زبانی و فرهنگی آن دوره، آشنا تر سازد. هدف این تحقیق، معرفی این اثر و فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای آشنایی بیشتر محققان، دانشجویان و دوستداران ادب فارسی با این اثر است.

بیان مسأله

یکی از راههای شناخت پیشینه فرهنگی و وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آنهاست. هر یک از نگارش های پیشینان حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ ما را دارند، به این دلیل معرفی آثار گمنامی چون آثار سعدالدین احمد انصاری، مهمترین موضوع و مبحث این پژوهش است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر که با هدف بررسی آثار سعدالدین احمد انصاری انجام یافته است، پژوهشی توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، بصورت کتابخانه ای و میدانی است.

ضرورت و هدف تحقیق

با تصحیح و احیای آثار گذشتگان و شناساندن آثار گمنام آنها که در کنج کتابخانه‌ها مهجور و متروک مانده‌اند؛ به نحوی که بر پایه‌ی اصول و موازین پژوهش علمی استوار باشد، می‌تواند زنجیره کتب ادبی را کاملتر نماید، و به شناختی دقیقتر و دانشی صحیح‌تر و کاربردی، درباره‌ی پیشینه‌ی فرهنگ و ادب فارسی رسید. به این دلیل معرفی این اثر گمنام و بررسی این کتاب «شور عشق» و تفکرات و مفاهیم مندرج در کتاب از اهداف مهم این تحقیق است.

پیشینه تحقیق

از مقالات و پژوهش‌های اندکی که برخی پژوهشگران درباره اندیشه های عرفانی شیخ سعدالدین احمد انصاری نوشته و اشاره مختصری بر اندیشه های عرفانی وی نموده اند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- شرح حال شیخ سعدالدین احمد انصاری، به قلم محمد ابراهیم خلیل احمد الجامی (۱۳۳۵) نوشته شده است و همچنین رساله ای در این خصوص در مجله آریانا به چاپ رسیده است.

- وزیرعلی از نوادگان شیخ سعدالدین انصاری، «شرحی بر غزل شور عشق» نوشته که نسخه آن در کتابخانه مجلس (ایران) موجود است.

- محمدصابر انصاری (۱۳۷۸) گزیده ای از دیوان شور عشق را در نشریه آرش، انتشار داده است.

- محمد ابراهیم خلیل افغانی (۱۳۳۵ هـ ش) گزیده از نشاء القدس را با عنوان «یک مرد بزرگ در کابل» به چاپ رسانیده است.

- عارف نوشاهی در مقاله ای کوتاه در مجله میراث مکتوب به شرح حال سعدالدین انصاری پرداخته است.

اما تا کنون هیچ پژوهش مستقلی به بررسی کتاب «شور عشق»، اندیشه های عارفانه و نسخ آن نپرداخته و از این حیث این پژوهش نو و تازه است.

معرفی سعدالدین احمد انصاری

برخی از پژوهشگران «سعدالدین احمد برکی کابلی احمد انصاری ناطقی» (۱۲۲۵ق.) را فرزند مولانا عبدالغفار فرزند مولانا عبدالکریم، از عرفای قرن ۱۲-۱۳ هـ. ق؛ می دانند و برخی دیگر نسب وی را به معاذبن جبل انصاری می‌رسانند. رک: (هروی، ۱۳۸۰: ۱۴) نسب شیخ سعدالدین احمد انصاری را به امام زین العابدین می‌رسانند. در این باب چنین گفته اند: «حضرت ایشان از طرف والد ماجد اعنی مرحوم مبرور مولانا عبدالغفار بن مولانا عبدالعزیز بن مولانا عبدالکریم هم سیداند و هم از انصاراند، و از مولانا عبدالکریم بالاتر پشت بر پشت انصار بوده اند. به حضرت معاد جبل انصاری- رضی الله عنه- می‌رسند. و چون والده ماجده مولانا عبدالکریم سیده بوده اند از اولاد حضرت امام زین العابدین- رضی الله عنه - لهذا مولانا عبدالکریم هم نسبت سیادت داشتند» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۱۹۸). مسکن و مأوی شیخ ده «عریان» از توابع کابل (افغانستان) بوده و در منابع به صراحت به این موضوع اشاره شده است: «مسکن و ماوای اجداد شیخ، ده «عریان» بوده که بنا کرده و معمور نموده اجداد بزرگوار ایشان است. در عهد عبدالله بن عمر- رضی الله عنه- بعد از فتح عراق اجداد بزرگوار ایشان از عربستان هجرت نموده به ولایت هرات آمده بودند و باز از آنجا کوچیده به سمت کابل زمین تشریف فرما شده بودند و در دهی که مشهور به ده «عریان» است، رخت اقامت انداخته مدت‌ها و... هجرت اختیار نموده به «ده یحیی» تشریف‌آزانی فرموده بودند.» (همان: ۱۹۸) با توجه به اشعاری که در کتاب شور عشق آمده و شیخ سعدالدین ضمن ارادت به پیامبر و امامان شیعه، ارادت و محبت خود را به خلفای اهل تسنن بیان داشته، کاملاً مشخص است که شیخ، مسلمان و از اهل تسنن بوده است:

داده دودختر ورا هم چو مه خاوری

قلعه علم و حیاگشته زعثمان بنا

فاطمه بود ش عیال باحسن و عسگری

علم نبی را کمال داشت علی قال و حال

میرعلم داروست درشکن خیبری

حیدرکرار اوست قاتل کفاروست

در باب ارادت و محبت شیخ به خلفای اهل تسنن، در جای دیگر کتاب آمده است:

دلوق رسول برقد عرعر نوشته اند

عثمان باحیا بود که بود یار سیمین

بنت بتول زوجة عمر نوشته اند

جزو کلام را شده شیرازة متین

(همان: ۱۲۸)

در کتاب شور عشق به موطن وی (ده یحیی) اشاره شده: «نام سعدالدین احمد بر کی انصاری است که وطن مالوف قریه ای است از توابع بلاد کابل که موسوم بر ده یحیی است استفسار و مسألت نمود...» (انصاری، ۱۳۲۸: ۷) نام اصلی این عارف والا مقام، سعدالدین احمد بوده است و با القابی چون «حاجی صاحب، دیوانه صاحب، در بین مریدان و مردم معروف بوده است. سعدالدین احمد، پنج همسر و در مجموع ۳۶ فرزند داشت. وی مریدان و علاقمندان زیادی به دور خود جمع نمود و و به تربیت مریدان پرداخت؛ بسیاری از مردم افغانستان با وی بیعت نمودند. این عالم و عارف روزگار خویش با علوم و فنون زمان خود (قرن ۱۲هـ) چون علوم بلاغت کاملاً آشنا بوده و به زبان عربی بخوبی سخن می گفت. وی علاقه وافری به شاعران ادب فارسی چون حافظ و مولوی داشته و آثار آنها را بسیار می خوانده و در کلام خود از اشعار این شاعران استفاده می نمود. شیخ در زمان نوجوانی نزد پدر عالم خویش با فقه و کلام آشنا گشته و در سن نه سالگی به زیارت مکه مکرمه رفته و ظاهراً با وجد و جذبه عرفانی در نوجوانی آشنا گردیده است. شیخ سعدالدین دارای ۱۴۱ اسم و لقب بوده است: «جناب حضرت شیخ را یک صد و چهل و یک اسم است که در واقعه بر یکی از مخلصان و مریدان ایشان که ساکن زرمذ بوده و میرابراهیم نام داشته و قریشی بوده، به طریق الهام مکشوف شده.» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۱۹۹) ۱۴۱ نام و لقب در کتب برای شیخ ثبت شده و بیان داشته اند که این اسامی در خانقاه به عنوان ورد و دعا خوانده می شدند و علما، مشایخ کشمیر، سادات پیشاور و یکی از خلفای شیخ نیز رساله هایی در شرح اسمای شیخ تألیف کرده اند. رک: (همان: ۱۹۹) چنانچه در وصف شیخ گفته اند: «او در تصوف و عرفان به مرتبه والایی رسیده و طریق تازه ای را در این مکتب اساس گذاشته است.» (هروی، ۱۳۹۰: ۳۶۰). با توجه به متن کتاب شور عشق کاملاً مشخص و مبرهن است که شیخ در طریقت نقشبندیه بوده است، وی اجازه ارشاد، در طریقه نقشبندیه و قادییه را از شیخ محمد سمان مدنی کسب نمود: «از صحبت ایشان فایده های حاصل نموده به تخصیص از طریقه عالیہ حضرات نقشبندیه قدس الله اسرار هم و باز چون که به شرف آستان عرش نشان سید عالمیان مشرف گردیده و در زیارت روضه اطهر انور مفوض گردیده در آن بلدة طیبه زکیه به سرافرازی صحبت قطب الاقطاب و غوث الاصحاب حضرت شیخ محمد بن شیخ عبدالکریم السمان المدنی ممتاز گشته و از خوان و افره و احسان باهره حضرت ایشان نیز بهره مند آمده» (انصاری، ۱۳۲۸: ۷)

آثار سعدالدین احمد انصاری

در منابع، تعداد کتب و مقالات وی را بالغ بر ۳۶ اثر نگاشته اند. «من جمله تصنیفات سعدالدین احمد انصاری، نسخه خطی کتابی موسوم به (عین الحقیقه) حاوی ۲۲۵ صفحه و هر صفحه دارای ۱۵ سطر از آغاز الی انجام متضمن علم تصوف و معرفت است شیخ کثیر التصانیف بود و فهرست تألیفات وی را که آمیخته به نظم، آیات و احادیث است، قریب ۳۲ مورد مشتمل بر دواوین (دیوان عشق جوش، دیوان اخبار خرابات، دیوان اسرار ماوای ذات، دیوان حسن فروش، دیوان بیرخ، دیوان شیخ قدوسی، دیوان شور عشق، مثنویات، حقایق المعارف و رازنامه که در حین تألیف نشاء القدس در حال نگارش بود نگارش عربی (معدن وحدت) و نامه های شیخ بوده است که در جواب عرایض و سؤالات عزیزان و بزرگان اطراف عالم از بلخ، بخارا، سمرقند، کشمیر و کامه می نوشت و تعداد نامه های وی را در حدود ۷ نامه نقل کرده اند.» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۲۰۱) بیشتر آثار وی به زبان فارسی نگاشته شده است و برخی نیز به زبان عربی؛ از آثار وی می توان به کتب زیر اشاره نمود:

۱- شور عشق ۲- شورش عشق ۳- جوش عشق ۴- جوشش عشق ۵- سوز عشق ۶- ساز عشق ۷- نیرنگ عشق ۸- فرهنگ عشق ۹- آهنگ عشق ۱۰- عین الایمان ۱۱- کشف المحققین ۱۲- تفسیر معدن الاسرار که در سنه ۱۳۴۵ هـ- ق در مطبع ستاره هند لاهور طبع گردیده. ۱۳- معیار الکشف ۱۴- مرات الجمال ۱۵- حسن فروش، ۱۶- دیوان، ۱۷- رساله درود تاتار شریف، ۱۸- رساله خواص ۱۹- آهنگ عشق ۲۰ راز نامه ۲۱- کتاب معدن وحدت و... رک: (همان: ۲۰۱-۲۰۲) دواوین شیخ سعدالدین نیز شامل این موارد است: دیوان عشق جوش، دیوان اخبار خرابات، دیوان اسرار ماوای ذات، دیوان حسن فروش، دیوان بیرخ، دیوان شیخ قدوسی، شور عشق، مثنویات، حقایق المعارف، رازنامه. رک: (همان: ۲۰۱-۲۰۲)

اندیشه های عرفانی سعدالدین

سعدالدین احمد در در آثار خود در برخی فصول به شرح اندیشه های عرفانی خود پرداخته و در برخی تغزلات عرفانی نیز به استقبال شاعرانی چون حافظ و مولوی رفته و با نام «شیخ قدسی و شیخ قدوسی»، در پایان اشعار تخلص داشته؛ وی در انتهای کتاب، اشعار عرفانی را با سرفصل «راز نامه» سروده است.

توجه به نبوت و امامت

سعدالدین که عارفی دلسوخته و بنده ای مخلص است؛ بارها با زبان شعر، ارادت و محبت خود را به نبی مکرم اسلام در این کتاب بیان داشته:

پیرایه جمال محمد، محبت است	محبوب حق بدانش و محبوب جان بگو
جان زنده از وی است و بدن زنده شد به جان	سرمایه حیات جهانانش روان بگو
خلاق، صورتی به ازو از ازل نه ساخت	صورت نمای حسن علیمش نشان بگو

(انصاری: ۱۳۲۸: ۳۸).

شیخ، پس از ابراز محبت و ارادت، با زبان و بیانی عارفانه و با استمداد از آیات مقدس الهی جسم پیامبر از عالم مکان (ماده) و جوهر وجودی و ذات پاک او را به عالم بالا و لامکان می داند:

قل انما انا البشر مثلكم بخوان	جسمش مکان و جوهرش از لامکان بگو
آن نقطه که مرکز آفاق و انفس است	خال محمد است به حُسن بتان بگو
لوح و قلم به نعت محمد زبان گشود	برکاف و نون تو نکته برین کن، فکان بگو

(همان: ۳۴۸)

شیخ بارها ارادت و محبت خود را به حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه هدی بیان می کند:

سید اولاد آدم، فاطمه باشد بنام	یا علی و آدم مر او را با شهود سالمین
من خلیفه مصطفی و جبرئیل از مرتضی	حق به داد من قبولش کردم از حق الیقین
لوح و قلم به نعت محمد زبان گشود	برکاف و نون تو نکته برین کن، فکان بگو

(همان: ۳۴۳)

بررسی اندیشه های برجسته عرفانی شیخ سعدالدین

یکی از موضوعات و خصایص بارز توجه به اندیشه های عرفانی است. فرصتی برای سعدالدین محسوب شده که اندیشه ها و تفکرات خود را در قالب شعر بیان دارد. وی کتاب خود را با تحمیدیه و حمد و ثنای باری تعالی آغاز نموده است؛ تحمیدیه به معنای حمد و ستایش باری تعالی است و در اصطلاح عبارت است، از مقدمه ای که در آغاز کتب، در ستایش خدا و برشمردن نعمتهای وافر و صفات ارزنده او آورده می شود.

حمد آن گویم که پیش از آن، نه آن نه این	دریکی آن کرده پیدا از اولین تا آخرین
--	--------------------------------------

(همان: ۵)

سعدالدین، بارها در اشعار عرفانی خود را مورد خطاب قرار داده است:

نیست سعدالدین انصاری، در این عرفان شریک	لاشریک است آن احد اندر صفات، ذات هم
---	-------------------------------------

(همان: ۵)

عشق و سوز دلدادگی و جذبه از موضوعهای اساسی عرفان اسلامی و از ارکان استوار منظومه های عرفانی است؛ از همین رو عرفا و علما با بیان اندیشه های عرفانی، قصد دارند، در راه رسیدن به حق تعالی، عاشقان راستین را هدایت نمایند. سعدالدین انصاری که طعم جذبه حق را چشیده و علوم عرفانی را فراگرفته در اشعارش سعی دارد، اندیشه های عرفانی خود را به زبان شعر و استمداد از نظم شیرین فارسی بیان دارد. در زیر به برخی اندیشه های عرفانی وی در کتاب شور عشق می پردازیم.

توجه به موضوع «حقیقت محمدیه»

یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز عرفان اسلامی «حقیقت محمدیه» است؛ در این مبحث عرفانی، ذات پاک پیامبر را واسطه فیض و خلق عالم هستی می دانند، و پیامبر عظیم الشان را به عنوان انسان کامل و آیین تمام نمای عالم هستی برمی شمارند و وجود نازنین ایشان را با عناوینی چون قطب الاقطاب، انسان کبیر، قلم اعلی و روح اعظم و... خطاب قرار می دهند. در حقیقت پیامبر در میان انبیا و اولیای خدا موقعیت خاص و ویژه ای دارد. «برخی از حقیقت وجودی رسول اکرم (ص) به عنوان جوهر حقیقت نبوت یاد کرده و حقیقت محمدیه را به «کتاب مبین» تعبیر نموده اند که آیات حکمت و معرفت در آن درج گردیده است. در وجه دیگر، وجود رسول الله (ص) را بعینه صراط مستقیم دانسته اند، که رسیدن به معرفت حق تعالی جز از طریق معرفت به حقیقت او ممکن نیست.» (امین، ۱/۱۳۸۹: ۶۳) پیامبر اکرم در این باره فرمودند: «خداوند موجودی برتر از من نیافریده است» (مجلسی، ۱۳۷۰/ ۱۸: ۳۴۵). البته این حدیث نبوی، اشاره به برتری و تفضل حضرت رسول (ص) در میان انبیا دارد. علامه طباطبایی در این باره می گوید: «تحقیقاً وجود مقدس پیامبر (ص) در نشئه خلقت و آفرینش اولین تعین و نزدیک ترین مخلوق به اسم اعظم است که اسم اعظم امام ائمه اسماء و صفات است. و گرنه به لحاظ مقام ولایت کلی و برزخیت کبری که در قرآن از آن به مقام «دنی فتدلی» یاد شده و در اصطلاح عرفانی از آن به «وجود انبساطی اطلاق» و «وجه الله الاعظم و باقی» و مانند آن یاد می شود، همه موجودات و تعینات در حقیقت وجود او مستهلک اند و اساساً چیزی از مخلوقات را نسبتی با او نیست؛ زیرا او بر همه احاطه قیومیّه دارد، لذا افضلیت معنا ندارد و اولین و آخرین تصور نمی شود، بلکه او اول است در عین آخر بودن، و آخر است در عین اول بودن، به همان وجهی که باطن است، ظاهر است.» (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۷۵) امام خمینی با اشاره به جایگاه حقیقی پیامبر خاتم (ص) و تکیه بر فرمایشات آن حضرت که نخستین چیزی که خداوند آفرید نور من یا روح من بود ایمان به رسالت آن حضرت را در نهاد تمامی موجودات می داند، به گونه ای که سالکان جبروت و انوار قاهره و قلم های عالی الهی نخستین کسانی بودند که به رسول غیبی و ولی حقیقی (پیامبر اسلام) ایمان آوردند و همین گونه به ترتیب سیر نزولی وجودی از عالی تا سافل ایمان آوردن به این رسول الهی ادامه پیدا کرد تا به عالم ماده و ساکنان زمین رسید. امام این معنا را یکی از معانی فرمایش رسول خاتم (ص) می داند که فرمود آدم و هر آنکه غیر اوست، در زیر لوای من هستند. رک: (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۵۵) سعدالدین در این باره با توجه به موضوع حقیقت محمدیه می گوید: «نور بعثت محمدی علیه السلام می گویم که آن نور ساری و جاری است در بطون و ظهور کل ذرات ممکنات من حیث الهو هو کاین و باین حقا و عدلا.» (انصاری: ۱۳۲۸: ۱۱). محی الدین ابن عربی با استناد به حدیث «کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین»، نبوت را در ایشان سابق بر انسانیت می داند، زیرا تأکید حدیث بر موجود بودن یا انسان بودن نیست بلکه بر نبوت است. رک: (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۴۳) علامه مجلسی نیز در این باب گفته است: شروع خلقت عالم انوار و به طور کلی عالم هستی از خلقت نور و روح حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که خداوند آن را از نور وجود خود آفرید. سپس از نور وجود حضرت ختمی مرتبت، نور حضرت علی علیه السلام را آفرید و از آن دو نور طیب، نور حضرت فاطمه علیها السلام را خلق کرد و از این سه نور پاک، انوار حضرت حسن و حسین علیهما السلام را آفرید و از نور امام حسین علیه السلام، انوار نه امام دیگر را به ترتیب آفرید، پیش از این که مخلوق دیگری را آفریده باشد، نه آسمانی و زمینی و نه خورشید و ماهی و نه آب و هوایی و نه هیچ چیز دیگر. رک: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۹-۱۶۸) شیخ سعدالدین نیز در باب مراتب عالم خلقت و حقیقت محمدیه معتقد است که اول چیزی که خالق هستی خلق نمود، نور وجود حضرت ختمی مرتب است: «حقیقت محمدی را برزخ بین الوجوب والامکان اهل علم مناسبت می دهند و... حقیقت آن سرور است علیه الصلوه و السلام نه مرا آرای گفتن است و نه دیگری را یارای شنیدن. همین بس است که فرمود اول ما خلق الله تعالی نوری، قول فجر صادق است علیه السلام که نور خود را مخلوق یاد کرد.» (انصاری: ۱۳۲۸: ۸).

موضوع «اولیت»

یکی از موضوعات مهم عرفانی که در باب آفرینش اولین مخلوق، مطرح شده، موضوع «اولیت» است. عزیزالدین نسفی در شرح این موضوع و مبحث اولیت فصلی از کتابهای این دوره را به خود اختصاص داده است و بر آن است که این تأکید در اولیت سبب شده است برخی این حقیقت را خدا بپندارند. تطبیق این اولیت با برخی احادیث که عناوین مختلفی، از قبیل لوح، قلم، عقل، و عرش، را مخلوق اول معرفی می کند، عرفا را به تبیین ارتباط حقیقت محمدیه با این عناوین سوق داده. رک: (نسفی، ۱۳۴۱: ۱/ ۳۱۵) البته بیشتر عرفا، خلقت عالم روحانی را متقدم بر عالم جسمانی می دانند: «خلقت عالم روحانی بر عالم جسمانی تقدم دارد و این مطلب را می توان از خود روایات استفاده کرد. در روایت دیگری از حضرت علی علیه السلام آمده است که نور ۱۲۴ هزار پیامبر و رسول نیز از نور وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلق شده است، پیش از این که موجود دیگری خلق شده باشد که باید

آنها را نیز مربوط به خلقت عالم انوار دانست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵ / ۲۸) سعدالدین با توجه به موضوع آفرینش اولین مخلوق و مبحث «وَلَّيْتُ» به مفاهیم و تفکرات عرفانی چون «اول ما خلق الله تعالی القلم»، «اول ما خلق الله العقل» و «اول ما خلق الله القلم» پرداخته است.

«اول ما خلق الله تعالی القلم»

سعدالدین در این باره به اشاره به آفرینش قلم به عنوان اولین آفریده می گوید: «بازخبر داد اول ما خلق الله تعالی القلم؛ پس در این سه صورت کلیه حقیقت محمدی است، علیه الصلوة والسلام؛ که ماء و ماهیت خبری ازوست که فرمود: قول تعالی و جعلنا من الماء کل شی حی که حیات کل اشیاء ممکنه و مادهٔ جمیع موجودات آب حیات هستی وجود محمدی است» (انصاری: ۱۳۲۸: ۱۰-۹). نسفی در پاسخ به این پرسش که آیا مقام اولیت از آن یک جوهر است یا چند جوهر، جهان را به مُلک و ملکوت تقسیم می کند و بیان داشته: اول چیزی که خدا در ملکوت آفرید عقل اول یا همان قلم الهی و اول چیزی که در جهان مُلک آفرید فلک اول یا همان عرش بود. پس خداوند به قلم که دریای نور است فرمان داد که بر عرش بنویسد و آنچه قلم نقش کرد نور نبی و ولی بود. رک: (نسفی، ۱۳۴۱: ۱ / ۲۲۰)

«اول ما خلق الله العقل»

عقل، جوهری است که هم به ذاته مجرد است و هم بلفعل؛ یعنی نه مادی و نه جسمانی است و برای انجام دادن کارهایش محتاج کسی و چیزی نیست و نیاز ندارد که با بدن یا جسمی مربوط باشد. علامه طباطبایی در این باره می گوید: «در نظام وجود عالمی است بنام عالم عقول و این عالم، واسطه در ایجاد عالم پایین تر است. حال برترین موجود عقلی همان «عقل اول» یا «صادر نخستین» است که واحد است و بالفعل؛ و وجودش متوقف بر ماده و مدت و استعداد نیست و در ایجاد و تأثیر جز به ذات الهی به چیز دیگری نیازمند نمی باشد. در عقل اول همه کمالات حق تعالی ظهور یافته است. این موجود، کامل ترین موجود عالم امکان است و در میان ممکنات از همه شریف تر و کامل تر و بسیط تر و قوی تر است اما در عین حال نسبت به واجب تعالی عین نیاز و فقر و وابستگی وجودی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۷۱) شیخ سعدالدین در جای دیگر از کتاب شور عشق، با توجه به موضوع «اول ما خلق الله العقل» به مبحث «خلق الله تعالی نوری» گریز می زند و در شرح این مبحث چنین آورده است: «بر سر بیان ظهور نور محمدی علیه السلام فرمود اول خلق الله تعالی نوری و باز فرمود اول ما خلق الله العقل» (انصاری، ۱۳۲۸: ۱۰). در رابطه با اول ما خلق الله العقل باید گفت البته این موجود مجرد تام (عقل کامل) را نباید با عقل انسان (عقل معاش) که یکی از قوای نفس است و بوسیله آن تفکر و اندیشه بشری اشتباه کرد. «در نظام وجود عالمی است بنام «عالم عقول» و این عالم، واسطه در ایجاد عالم پایین تر است. حال برترین موجود عقلی همان «عقل اول» یا «صادر نخستین» است که واحد است و بالفعل؛ و وجودش متوقف بر ماده و مدت و استعداد نیست و در ایجاد و تأثیر جز به ذات الهی به چیز دیگری نیازمند نمی باشد. در عقل اول همه کمالات حق تعالی ظهور یافته است. این موجود، کامل ترین موجود عالم امکان است و در میان ممکنات از همه شریف تر و کامل تر و بسیط تر و قوی تر است اما در عین حال نسبت به واجب تعالی عین نیاز و فقر و وابستگی وجودی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۷۱) صوفیان و عرفا دو عنصر عقل (عقا معاش) و عشق را از همدیگر جدا می دانند و برای هر کدام از آنها حد و مرزی قائل هستند. آن‌ها عشق را ضد عقل برمی شمارند و معتقدند که عشق هر کجا خانه گزیند، قلمرو عقل (عقل معاش) از بین می رود. به همین دلیل است که در ادبیات عرفانی عقل و عشق در تقابل هم قرار گرفته اند. شیخ سعدالدین در باب عقل معاش که بازدارنده از عشق است می گوید:

عقل گوید که حذر کن تو زگرداب بلا	عشق گوید که بزن غوطه، میندیش هلا
عقل گوید به مرض رو به طبیبان می کن	عشق گوید که بکن صبر، رضا ده به قضا
عقل گوید که برو دانه و دامی بنشان	تا کنی صید توچندی به فریب و به دغا

(انصاری: ۱۳۲۸: ۲۴).

نتیجه گیری

کتاب شور عشق از سعدالدین انصاری کابلی از شاعران و عارفان فارسی زبان که در ده یحیی در توابع کابل (افغانستان) در قرن ۱۲ هجری می زیسته. این عارف صاحب ذوق، در زمان خود مریدان بی شمار داشته و در تربیت شاگردان و علاقمندان به عرفان و خدانشناسی تلاشی شایسته داشته و صاحب تألیفات بسیار ارزشمندی از جمله شور عشق می باشد که توسط یکی از نوادگان او؛ میراکبر کتابت شده و کتاب در مقدمه شرح حال مختصر از زندگی این سید والا مقام که نسبش به امام زین العابدین می رسد آورده. این اثر دارای دو نسخه است؛ که نسخه اول در کتابخانه گنج بخش پاکستان و نسخه دوم در کتابخانه مجلس (ایران) در قسمت پایانی دیوان شور عشق نگهداری می شود. این اثر، دارای اشعاری در قوالب مختلف. در حقیقت این کتاب

وسیله و فرصتی مناسب در اختیار سعدالدین انصاری قرار داده تا همچون عارفان خوش ذوق با کمک و مدد نظم شیرین فارسی و زبان و کلمات عرفانی از تفکرات ناب عارفانه خود برای مخاطبان و شیفتگان عرفان اسلامی صحبت کند. اشعار عرفانی وی در قالب موضوعاتی چون مدح و تمجید باری تعالی، ثنا و مناجات باری تعالی، مدح پیامبر، ارادت و محبت به خلفای اهل سنت، ابراز محبت به ائمه هدی و فاطمه زهرا و علی (ع) و... بیان شده اند. با وجود اینکه، این شاعر عارف، اشعاری در مدح خلفای اهل سنت دارد و پر واضح است که اهل تسنن بوده، ولی با احترام و ارادت خاصی نسبت به مرتضی علی (ع) نیز سخن رانده و تفکرات پاک و بی آرایش عارفانه خود را با مباحثی چون تقدم عالم روحانی بر جسمانی، حقیقت محمدیه و تقدم پیامبر بر اولیای پیشین، تقدم آفرینش عقل کل (انسان کامل)، قلم، لوح و... در قالب اشعاری عارفانه بیان داشته و گاه از آیات قرآنی برای بیان اندیشه های عارفانه استمداد جسته است. در مجموع این اثر مشحون از اشعاری عارفانه سعدالدین احمد انصاری است که شاعر به وسیله اصطلاحات ناب عرفانی چون رند، شراب، ساقی، قلندر و... اندیشه ها و تفکرات پاک و الهی و ارزشمند خود را به رشته نظم کشیده است.

منابع

- ابن عربی، محی الدین (۱۳۷۰) فصوص الحکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امین، سیده نصرت (۱۳۸۹). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱، اصفهان: گلبهار.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۷۰). دیوان شور عشق، به اهتمام جیب‌الله ابراهیم زاده. کابل: میوند.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۰۲) نسخه خطی شور عشق، شماره: ۹۵۵۶، تهران: کتابخانه مجلس.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۲۸) نسخه خطی شور عشق، شماره ۱۵۳۱۱ پاکستان: کتابخانه گنج بخش.
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۹۵) ترجمه مصباح الهدایه، تهران: انتشارات زمان.
- جوکار، نجف و دیگران (۱۳۹۵) نوآوری و قالب شکنی در شعر سعدالدین، فصلنامه فنون ادبی، سال هشتم، شماره یک، بهار ۱۳۹۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزالدین بن محمد نسفی، (۱۳۴۱) مجموعه رسائل (الانسان الكامل)، تهران: چاپ ماریژان موله.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰). تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی محمد باقر، (۱۳۷۰) بحار الانوار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مجلسی محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۰) سیه بر سفید: مجموعه گفتارها و یادداشت ها در زمینه کتابشناسی و نسخه شناسی، ج ۱، مرکز پژوهشی میراث مکتوب

Abstract

Careful study of Saad al-Din's works will reveal his various literary and intellectual aspects. Considering the cultural commonalities and neighborhoods of Iran and Afghanistan, it is very important to study the works of Persian-speaking poets and mystics in this region. Due to the cultural and historical similarities of the past, a country like Afghanistan, as part of the cultural regions of Persian language and literature, is full of valuable works. One of the poets whose mystical poetry and prose have played an effective role in promoting Persian language and literature and mystical concepts is Saad al-Din Ahmad Ansari, who lived in Kabul in the twelfth century AH. The book of poetry "Passion of Love" by Saad al-Din Ahmad Ansari is one of the valuable works of the twelfth century AH that has not been studied independently so far.

Keywords: order, mysticism, passion of love, Saad al-Din Ansari